



Criteria for Determining Instances of Fundamental Human Rights within the Framework of the International and Islamic Human Rights System

Sara Akhondi^{1*}, Delara Moghadasian²

1. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of Theology and Islamic Studies, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 19-36

Article history:

Received: 28 Jun 2025

Edition: 21 Jul 2025

Accepted: 21 Aug 2025

Published online: 23 Sep 2025

Keywords:

Corresponding Author:

Sara Akhondi

Address:

Iran, Tehran, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law.

Orchid Code:

0009-0001-4387-6796

Email:

S-akhondi@iau-tnb.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: Fundamental human rights are one of the sensitive concepts in the international human rights system that has been developed specifically in the literature of human rights writers, but its effects have been crystallized in international law. The aim of the present study is to explain the criteria for determining instances of fundamental human rights within the framework of the international human rights system and Islamic teachings.

Materials and Methods: This research is theoretical in nature and employs a descriptive-analytical method using library-based tools.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Findings: The examples of fundamental human rights are described as "rules" in the international human rights system and are essentially the starting point for classifying norms, or in other words, the normative hierarchy of the international human rights system. However, in the Islamic approach to human rights, the examples of fundamental human rights do not create a normative hierarchy in Islamic human rights.

Conclusion: The criterion for determining the instances of fundamental human rights in the international human rights system is "non-derogability"; in other words, those instances of human rights that cannot be suspended under any circumstances (even emergency situations) are considered as instances of fundamental human rights. On the other hand, in the Islamic approach, those instances of human rights that are applicable to all individuals, including Muslims and non-Muslims, are considered as fundamental human rights.

Cite this article as:

Criteria for Determining Instances of Fundamental Human Rights within the Framework of the International and Islamic Human Rights System. Jurisprudential Research on Human Rights. 2025.



دوره دوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۴

معیارهای احراز مصادیق حقوق بنیادین بشر در چارچوب نظام حقوق بشر بین‌المللی و اسلامی

سارا آخوندی^{۱*}، دل‌آرا مقدسیان^۲

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: حقوق بنیادین بشر یکی از مفاهیم حساس در نظام حقوق بشر بین‌المللی می‌باشد که به صورت خاص در ادبیات نویسندگان حقوق بشر توسعه یافته است، اما آثار آن در حقوق بین‌الملل موضوعه تبلور یافته است. هدف از پژوهش حاضر تبیین معیارهای احراز مصادیق حقوق بنیادین بشر در چارچوب نظام حقوق بشر بین‌المللی و تعالیم اسلامی می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده و روش آن به صورت توصیفی تحلیلی با ابزار کتابخانه‌ای می‌باشد.

یافته‌ها: مصادیق حقوق بنیادین بشر دارای وصف «آمره» در نظام حقوق بشر بین‌المللی هستند و اساساً نقطه سرآغاز طبقه‌بندی هنجارها یا به تعبیری، سلسله مراتب هنجاری نظام حقوق بشر بین‌المللی محسوب می‌شوند. اما در رویکرد اسلامی به حقوق بشر، مصادیق حقوق بنیادین بشر، سلسله مراتب هنجاری در حقوق بشر اسلامی ایجاد ننموده است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه: معیار احراز مصادیق حقوق بنیادین بشر در نظام حقوق بشر بین‌المللی، «غیرقابل عدول بودن» می‌باشد؛ به تعبیری، آن دسته از مصادیق حقوق بشر که در هیچ شرایطی (ولو شرایط اضطراری) قابل تعلیق نمی‌باشند، مصادیقی از حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شوند. از طرفی، در رویکرد اسلامی، آن دسته از مصادیق حقوق بشر که نسبت به همه افراد اعم از مسلمان و غیرمسلمان قابل اعمال می‌باشند، حقوق بنیادین بشر محسوب می‌گردند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۹-۳۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۷

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

حقوق بشر؛ حقوق مدنی و سیاسی؛ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ قواعد آمره.

نویسنده مسئول:

سارا آخوندی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

کد ارکید:

0009-0001-4387-6796

پست الکترونیک:

S-akhondi@iau-tmb.ac.ir

۱. مقدمه

حقوق بنیادین بشر از جمله مفاهیمی است که در طول قرن بیستم به یکی از ارکان اساسی نظام‌های حقوقی و اخلاقی در سطح جهان تبدیل شده است. این حقوق که هدف آن‌ها حفظ کرامت، آزادی، برابری و امنیت انسان‌هاست، در دو چارچوب عمده قابل بررسی‌اند: یکی نظام حقوق بشر بین‌المللی که عمدتاً پس از جنگ جهانی دوم و با تصویب اسنادی چون اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ شکل گرفت؛ و دیگری حقوق بشر اسلامی که بر پایه متون مقدس، سنت پیامبر اسلام، و اجتهاد فقهی استوار است و قدمتی بسیار کهن‌تر دارد. نظام بین‌المللی حقوق بشر با تأکید بر جهان‌شمولی، فردمحوری و لائیک بودن، سعی در ایجاد چارچوبی همگانی دارد که فراتر از دین، فرهنگ و نظام سیاسی قابل اجرا باشد. در مقابل، حقوق بشر اسلامی، با محور قرار دادن توحید، خلافت انسان، و اخلاق دینی، تصویری الهی‌محور از حقوق بشر ترسیم می‌کند که در آن انسان‌ها حامل حقوق‌اند، اما این حقوق در چارچوب حدود الهی و مصالح جامعه تعریف می‌شوند. این دو رویکرد، در برخی اصول اساسی مانند کرامت انسان، حق حیات، و عدالت، نقاط مشترک دارند، اما در روش‌شناسی، منابع و مصادیق، تفاوت‌های قابل توجهی میان آن‌ها دیده می‌شود. مطالعه تطبیقی این دو نظام حقوقی می‌تواند به فهم بهتر نقاط هم‌گرایی و چالش‌برانگیز، و در نتیجه ارتقاء گفتمان جهانی حقوق بشر منجر شود. در همین راستا پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش می‌باشد که، معیارهای احراز حقوق بنیادین بشر در نظام حقوق بشر بین‌المللی و نظام حقوق بشر اسلامی چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟ فرضیه‌ای که در پاسخ

به این پرسش مورد ارزیابی قرار می‌گیرد این است که، معیار احراز مصادیق حقوق بنیادین بشر در نظام حقوق بشر بین‌المللی، «غیرقابل عدول بودن» می‌باشد اما در رویکرد اسلامی، آن دسته از مصادیق حقوق بشر که نسبت به همه افراد اعم از مسلمان و غیرمسلمان قابل اعمال می‌باشند، حقوق بنیادین بشر محسوب می‌گردند. در ارتباط با پیشینه پژوهش حاضر می‌توان به مقاله حنیف و جلالی تحت عنوان «لزوم بازخوانی مفهوم حقوق بنیادین بشر به عنوان قاعده آمره بین‌المللی» اشاره داشت. از نظر نویسندگان، «یکی از منابع معتبر حقوق بین‌الملل عمومی قاعده آمره است؛ قاعده‌ای که توسط ماده ۵۳ عهدنامه ۱۹۶۹ وین در خصوص حقوق معاهدات معرفی گردیده که جامعه بین‌المللی دولتها، در کل خود، آن را در حد قاعده‌ای که هیچ گونه تخطی از حدود آن مجاز نیست و نه می‌تواند جز با قاعده جدید حقوق بین‌الملل عام، با همان خصوصیت، تغییر یابد، مورد شناسایی قرار داده است. امروزه دیدگاه مطرح حقوقدانان بر این است که عدّه از حق‌های بشری، به ویژه حقوق بنیادین بشر، نیز جزء قواعد آمره بین‌المللی شمرده می‌شوند. حقوق بنیادین بشر، حقوقی‌اند که مطابق بند ۲ ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ دولت‌ها تحت هیچ نوع شرایطی نمی‌توانند آنها را نقض و یا محدود نمایند. قاعده آمره بین‌المللی، بر خلاف حقوق بنیادین بشر، در مواردی، مانند وضع قاعده آمره جدید توسط جامعه بین‌المللی (دولتها)، تغییر را می‌پذیرد. پس رابطه در میان این دو نوع قاعده از جنس عموم و خصوص من وجه بوده، با در نظر داشت ویژگی‌های هر کدام، تبدیل حقوق بنیادین بشر به قواعد آمره

۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش این مقاله، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از آن است که مصادیق حقوق بنیادین بشر دارای وصف «آمره» در نظام حقوق بشر بین‌المللی هستند و اساساً نقطه سرآغاز طبقه‌بندی هنجارها یا به تعبیری، سلسله مراتب هنجاری نظام حقوق بشر بین‌المللی محسوب می‌شوند. اما در رویکرد اسلامی به حقوق بشر، مصادیق حقوق بنیادین بشر، سلسله مراتب هنجاری در حقوق بشر اسلامی ایجاد ننموده است.

۵. بحث

در این قسمت ابتدا به تبیین مفاهیم و متغیرهای پایه‌ای پژوهش یعنی نظام حقوق بشر بین‌المللی و حقوق بشر اسلامی پرداخته خواهد شد.

۵-۱. نظام حقوق بشر بین‌المللی

نظام حقوق بشر بین‌المللی مجموعه‌ای از اصول، قواعد و نهادهاست که با هدف حمایت، تضمین و ارتقاء حقوق اساسی انسان‌ها در سطح جهانی شکل گرفته است. این نظام، حاصل واکنشی تاریخی به فجایع گسترده‌ای مانند برده‌داری، استعمار، نسل‌کشی و به‌ویژه جنگ جهانی دوم است؛ جنگی که نشان داد بدون نظارت و تعهد جهانی، کرامت انسانی می‌تواند در مقیاسی گسترده نقض شود. از همین رو، با تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸، پایه‌های حقوق بشر در عرصه بین‌المللی مستحکم‌تر شد و مفهومی نوین از همبستگی بشری

بین‌المللی با ماهیت و ذات حقوق بنیادین بشر منافات دارد. لذا بهتر است بجای قرار دادن حقوق بنیادین بشر در جایگاه قواعد آمره بین‌المللی، آنها در مقام والای تغییرناپذیری خودشان در نظر گرفته شوند.» (حنیف و جلالی، ۱۴۰۱، ۲۲۷). در همین راستا، مقاله جعفری تحت عنوان «حقوق بنیادین بشر در منشور حکومتی امام علی(ع)» جالب توجه است. از نظر نویسنده مقاله مزبور، «نه تنها حقوقی بنیادینی که تمدن قرن بیستم برای بشر به رسمیت شناخته است، در مقایسه با منشور حکومتی مالک اشتر نوعی سازگاری وجود دارد، بلکه برتری دیدگاه حقوق بشری در منشور حکومتی نسبت به دیدگاه رایج حقوق بشر را نمایان می‌کند» (جعفری، ۱۳۹۲، ۱۱). همانطور که مشاهده می‌گردد، تمرکز پژوهش‌های مزبور بر وصف بنیادین مصادیق حقوق بشر می‌باشد و هیچ‌کدام به معیارهای احراز مصادیق حقوق بنیادین بشر نپرداخته‌اند؛ در واقع از منظر پژوهش‌های موجود، مصادیقی که در ارتباط با حقوق بنیادین بشر معرفی شده است، بر مبنای دکترین و نظرات شخصی نویسندگان می‌باشد؛ در حالی که در پژوهش حاضر معیارهای موضوعه برای احراز مصادیق حقوق بنیادین بشر در نظام حقوق بشر و حقوق بشر اسلامی معرفی شده است؛ که همین امر نوآوری و جنبه جدید بودن پژوهش حاضر محسوب می‌گردد.

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیل است. از روش کتابخانه‌ای به منظور جمع‌آوری داده‌ها و مطالب در این تحقیق استفاده شده است.

در سطح جهان پدید آمد. در این نظام، انسان نه به عنوان تابع دولت یا عضوی از یک جامعه خاص، بلکه به عنوان موجودی مستقل با حقوق ذاتی و غیرقابل سلب شناخته می‌شود. این رویکرد بر اصل جهان‌شمولی حقوق بشر استوار است؛ یعنی تمامی انسان‌ها صرف‌نظر از نژاد، مذهب، زبان، ملیت، جنسیت یا جایگاه اجتماعی، مستحق برخورداری از این حقوق‌اند. به همین دلیل، دولت‌ها نه تنها موظف به رعایت حقوق شهروندان خود هستند، بلکه در برابر جامعه جهانی نیز پاسخگو محسوب می‌شوند. (Paulussen and others, 2015, 11-12)

نظام حقوق بشر بین‌المللی ساختاری چندلایه دارد. در سطح جهانی، سازمان ملل متحد نقش محوری ایفا می‌کند و نهادهایی مانند شورای حقوق بشر، کمیته‌های ناظر بر میثاق‌های حقوق بشر، و دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر، نقش نظارتی و اجرایی دارند. در کنار آن، نظام‌های منطقه‌ای مانند دادگاه اروپایی حقوق بشر، کمیسیون حقوق بشر آمریکایی و دادگاه حقوق بشر آفریقایی شکل گرفته‌اند که نشان‌دهنده تنوع و بومی‌سازی این نظام در مناطق مختلف جهان‌اند. یکی از ویژگی‌های برجسته این نظام، تأکید بر پیوند میان حقوق مدنی و سیاسی با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. بر خلاف دیدگاه‌های اولیه که این دو دسته از حقوق را از هم تفکیک می‌کردند، نظام نوین حقوق بشر بر وابستگی متقابل و غیرقابل تفکیک این حقوق تأکید دارد. به بیان دیگر، آزادی بیان، مشارکت سیاسی یا ممنوعیت شکنجه به همان اندازه اهمیت دارد که حق آموزش، بهداشت و رفاه اقتصادی. (Weiß and Thouvenin, 2016, 114-115)

نظام حقوق بشر بین‌المللی، همچنین بر مفهوم "حداقل استانداردهای جهانی" استوار است؛ یعنی مجموعه‌ای از حقوق که باید در همه کشورها، فارغ از نظام سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی آن‌ها رعایت شود. البته این اصل با چالش‌هایی مانند نسبی‌گرایی فرهنگی، دخالت در امور داخلی کشورها، و تفاوت‌های تفسیر حقوقی و اخلاقی در مناطق مختلف جهان مواجه شده است. با این‌همه، نظام حقوق بشر بین‌المللی به مثابه زبان مشترک عدالت جهانی، بستری فراهم کرده است برای گفت‌وگو، نظارت و همبستگی جهانی در دفاع از کرامت انسان‌ها. (Peters, 2018, 34-35) این نظام نه کامل است و نه بی‌نقص، اما تلاشی پویا و تاریخی برای پاسخ‌گویی به نیازهای بشری در جهانی پیچیده و در حال تغییر به شمار می‌رود.

۵-۲. حقوق بشر اسلامی

حقوق بشر اسلامی مفهومی است که بر پایه آموزه‌های اسلامی و منابع اصلی شریعت، یعنی قرآن، سنت، اجماع و عقل، تبیین می‌شود و هدف آن حفظ کرامت، آزادی و عدالت در چارچوب جهان‌بینی توحیدی اسلام است. برخلاف نظام حقوق بشر غربی که اساس آن بر انسان‌محوری (اومانیزم) و عقلانیت سکولار استوار است، حقوق بشر اسلامی بر خدامحوری تأکید دارد؛ به این معنا که خداوند خالق انسان است و حقوق او را تعیین می‌کند، نه اراده جمعی بشر یا نهادهای قراردادی. در این چارچوب، انسان دارای جایگاه ویژه‌ای است؛ او خلیفه خدا در زمین است و با فطرتی الهی آفریده شده که به سوی خیر، عدل و کمال هدایت می‌شود. کرامت انسانی در اسلام ذاتی و غیرقابل تفکیک از طبیعت انسانی

اوست: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» (سوره اسراء، آیه ۷۰). از این منظر، حقوق بشر اسلامی با تأکید بر کرامت ذاتی انسان، در پی حفاظت از حیات، دین، عقل، نسل و مال اوست که در فقه اسلامی به عنوان «ضروریات خمس» شناخته می‌شوند. (Saeed, 2018, 7-8)

ویژگی متمایز حقوق بشر اسلامی، پیوند وثیق آن با مسئولیت‌پذیری است. در این دیدگاه، حق از تکلیف جدا نیست و هر حقی در کنار خود مسئولیتی اخلاقی و اجتماعی به همراه دارد. برخلاف برخی قرائت‌های غربی که بر آزادی فردی بدون محدودیت تأکید دارند، در حقوق بشر اسلامی آزادی در چارچوب مصالح فرد و جامعه و حدود الهی معنا می‌یابد. برای مثال، آزادی بیان حقی محترم است، اما توهین به مقدسات یا تحریک به فساد، خارج از حیطه مشروع این حق محسوب می‌شود. همچنین، حقوق بشر در اسلام نه فقط به عنوان حقوق فردی، بلکه در بستر روابط اجتماعی و خانوادگی تعریف می‌شود. نهاد خانواده، عدالت اقتصادی، مسئولیت اجتماعی و حمایت از محرومان از ارکان اساسی این نظام به شمار می‌آیند. در این چارچوب، حقوق بشر تنها به دفاع از فرد در برابر دولت محدود نمی‌شود، بلکه شامل وظایف متقابل میان افراد و دولت در جهت تحقق عدالت و کرامت انسانی است. (Ali, 2021, 14).

یکی از ویژگی‌های قابل توجه در حقوق بشر اسلامی، تأکید بر جامعیت آن است. یعنی حقوق بشر نه تنها حقوق مدنی و سیاسی، بلکه حقوق اقتصادی، فرهنگی، دینی و معنوی را نیز در بر می‌گیرد. برای نمونه، حق برخورداری از آموزش، بهداشت، عدالت قضایی و امنیت اخلاقی در جامعه از مصادیق روشن

حقوق بشر در نگاه اسلامی است. با وجود تفاوت‌هایی با نظام حقوق بشر بین‌المللی، حقوق بشر اسلامی تلاش دارد تا تعادلی میان آزادی فردی، مصالح جمعی، اخلاق دینی و عدالت اجتماعی برقرار کند (Ellis and others, 2012, 69-70). این نظام بر آن است که ارزش‌های جهانی حقوق بشر را نه در تعارض با دین، بلکه در پرتو ایمان و وحی بازخوانی کرده و الگویی بومی، اخلاق‌محور و معنوی برای تحقق حقوق بشر ارائه دهد.

نظام حقوق بشر اسلامی به عنوان یک منظومه مستقل، مبتنی بر شریعت اسلامی، دارای ویژگی‌هایی است که در برخی موارد می‌تواند نسبت به نظام حقوق بشر بین‌المللی از مزیت‌هایی برخوردار باشد. نخستین امتیاز حقوق بشر اسلامی، پیوند ذاتی آن با اخلاق دینی و مسئولیت معنوی است. برخلاف نظام حقوق بشر بین‌المللی که اغلب بر مبنای قراردادهای اجتماعی و اراده بشری شکل گرفته است، حقوق بشر اسلامی بر پایه تکلیف الهی و کرامت انسانی ناشی از خلافت انسان بر زمین استوار است. این نگرش، حقوق بشر را نه فقط به عنوان یک ابزار قانونی، بلکه به عنوان بخشی از تعهد دینی تلقی می‌کند که تخطی از آن گناه تلقی می‌شود. (Ali, 2021, 14).

دومین مزیت، جامعیت نگرش حقوق بشر اسلامی است. در این نظام، حقوق انسان تنها محدود به ابعاد فردی و مدنی نیست بلکه به حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و معنوی نیز تسری می‌یابد. به‌طور مثال، حق بر معاش، حق بر پاکدامنی، حق بر دانش و تعلیم و تربیت در اسلام واجد بار معنوی و تکلیف اجتماعی است. این امر سبب می‌شود که مسئولیت دولت‌ها و جوامع در تضمین

اجرای حقوق اساسی انسان‌ها در سطح جهانی طراحی شده‌اند. این منابع، ساختار اصلی این نظام را تشکیل می‌دهند و امکان شناسایی مصادیق حقوق بشر را برای دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی، دادگاه‌ها و جامعه مدنی فراهم می‌کنند (Trstenjak and Weingerl, 2015, 97). در این نوشتار، مهم‌ترین منابع شناسایی حقوق بشر در نظام بین‌الملل معرفی شده و برای هر کدام نمونه‌ای نیز ارائه می‌شود:

الف. معاهدات بین‌المللی (اصلی‌ترین منبع حقوق بشر در سطح بین‌الملل، اسناد الزام‌آور چندجانبه مانند معاهدات، میثاق‌ها و کنوانسیون‌ها هستند که کشورها به آن‌ها می‌پیوندند و متعهد به رعایت مفادشان می‌شوند. از مهم‌ترین این اسناد می‌توان به اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و دو میثاق اصلی آن یعنی میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اشاره کرد؛ ب. عرف بین‌المللی (برخی اصول حقوق بشر به قدری جهان‌شمول هستند که بدون نیاز به تصویب رسمی، از طریق رفتار مستمر و باور حقوقی کشورها تبدیل به قواعد عرفی شده‌اند. این قواعد حتی برای کشورهایی که به معاهدات خاص نپیوسته‌اند، الزام‌آور هستند). ممنوعیت شکنجه یکی از این موارد است. حتی اگر دولتی عضو کنوانسیون منع شکنجه نباشد، همچنان بر اساس عرف بین‌المللی، موظف به پرهیز از اعمال شکنجه است. (Nowak and others, 2019, 59-60) ج. اصول کلی حقوقی (اصولی هستند که در نظام‌های حقوقی ملی گسترده‌ای مورد پذیرش واقع شده‌اند و در حقوق بین‌الملل نیز مورد استناد قرار می‌گیرند. این اصول، مانند اصل بی‌طرفی قضات یا ممنوعیت مجازات بدون قانون قبلی، در فهم

این حقوق، صرفاً به الزام قانونی محدود نباشد بلکه بار فقهی و اخلاقی نیز داشته باشد. سوم اینکه، حقوق بشر اسلامی با تأکید بر توازن میان حق و تکلیف، از نسبی‌گرایی اخلاقی که در برخی اسناد بین‌المللی مشاهده می‌شود، فاصله می‌گیرد. در اعلامیه قاهره (۱۹۹۰)، بسیاری از حقوق به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که با ساختار خانواده، جامعه و ارزش‌های اسلامی همخوانی داشته باشند. به عنوان نمونه، آزادی بیان در چارچوب رعایت اصول اخلاقی و احترام به دین و مذهب دیگران محدود شده است که برخلاف برداشت مطلق‌گرایانه برخی اسناد بین‌المللی می‌باشد. چهارم، حقوق بشر اسلامی در برخی حوزه‌ها مانند حقوق اقتصادی و حق بر عدالت اجتماعی، تأکید ویژه‌ای دارد که حتی در برخی متون بین‌المللی مورد غفلت قرار گرفته است. آموزه‌هایی مانند زکات، خمس و وقف نشان‌دهنده ساختار نهادینه‌ای از حمایت اقتصادی از نیازمندان است که واجد ضمانت اجرای شرعی بوده و در تحقق عدالت اجتماعی نقش مستقیم ایفا می‌کنند. (Paulussen and others, 2015, 11-12)

در مجموع، حقوق بشر اسلامی با تکیه بر مبانی فراتاریخی و دینی، توانسته است مدلی از حقوق انسانی ارائه دهد که به‌ویژه در جوامع مسلمان از مشروعیت فرهنگی و معنوی بالاتری برخوردار است و به دلیل جامعیت، مسئولیت‌پذیری، و اتصال آن به اخلاق، می‌تواند مکمل و حتی اصلاح‌کننده برخی کاستی‌های حقوق بشر بین‌المللی باشد.

۵-۳. منابع نظام حقوق بشر بین‌المللی

نظام حقوق بشر بین‌المللی مبتنی بر مجموعه‌ای از منابع حقوقی است که به منظور شناسایی، تبیین و

این منابع و نحوه کارکرد آن‌ها، کلید فهم نظام حقوق بشر در سطح جهانی و عملکرد نهادهای حقوقی مرتبط با آن است.

۴-۵. منابع نظام حقوق بشر اسلامی

حقوق بشر اسلامی، برخلاف نظام سکولار حقوق بشر بین‌المللی، ریشه در تعالیم الهی و متون مقدس دارد. این نظام حقوقی، بر پایه منابع اصلی شریعت اسلام بنا شده است و برای فهم و استخراج مصادیق حقوق بشر در اسلام، مراجعه به این منابع ضروری است. در این نوشتار، مهم‌ترین منابع حقوق بشر اسلامی معرفی می‌شوند و برای هرکدام نمونه‌ای از حقوق بنیادین بشر ارائه خواهد شد:

الف. قرآن کریم (مهم‌ترین و بنیادی‌ترین منبع حقوق بشر در اسلام، قرآن است؛ کتابی که به عنوان وحی الهی، اصول اخلاقی و حقوقی انسان را در قالب تعالیم جامع بیان می‌کند. قرآن، کرامت ذاتی انسان، آزادی انتخاب، عدالت و برابری را مورد تأکید قرار داده است. برای مثال، آیه ۷۰ سوره اسراء می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...»، که اصل کرامت ذاتی همه انسان‌ها را صرف‌نظر از دین، نژاد یا قومیت به رسمیت می‌شناسد. این آیه، مبنایی برای بسیاری از حقوق بنیادین از جمله حق حیات و شأن انسانی است.) (Brems, 2021, 92). ب. سنت (سیره و احادیث پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله) (سنت به عنوان دومین منبع معتبر فقه اسلامی، شامل گفتار، کردار و تقریر پیامبر اسلام است. سیره نبوی در برخورد با اقلیت‌ها، دشمنان جنگی، زنان، بردگان و نیازمندان، بخش مهمی از مبانی عملی حقوق بشر در اسلام را تشکیل می‌دهد. برای نمونه، در خطبه حجة‌الوداع، پیامبر اسلام به صراحت اعلام می‌کند: «ای مردم! خون‌های

و تفسیر حقوق بشر کاربرد دارند. برای مثال، اصل برائت یا فرض بی‌گناهی که در بسیاری از نظام‌های حقوقی پذیرفته شده، در ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز آمده و از حقوق اساسی متهم در دادرسی عادلانه شمرده می‌شود.) (Hey, 2021, 127-128). د. رویه قضایی (احکام و نظرات نهادهای قضایی بین‌المللی، از جمله دادگاه اروپایی حقوق بشر، دیوان بین‌المللی دادگستری، و کمیته‌های حقوق بشری سازمان ملل، از منابع مهم توسعه و تبیین حقوق بشر به‌شمار می‌آیند. این آراء، به‌ویژه در تفسیر مصادیق مبهم یا جدید حقوق بشر، نقش کلیدی ایفا می‌کنند. برای نمونه، در قضیه سورین علیه پادشاهی متحده، دادگاه اروپایی حقوق بشر اعلام کرد که استرداد متهم به کشوری که احتمال مجازات غیرانسانی (مانند اعدام در شرایط سخت) وجود دارد، ناقض ماده ۳ کنوانسیون اروپایی است.) (Andreassen and others, 2024, 99-100). ه. اسناد غیرالزام‌آور (گرچه الزام‌آور نیستند، اما قطعنامه‌ها، بیانیه‌ها و گزارش‌های نهادهای بین‌المللی می‌توانند نقش راهبردی در تبیین و توسعه حقوق بشر ایفا کنند. این اسناد اغلب توسط مجمع عمومی سازمان ملل یا شورای حقوق بشر صادر می‌شوند و برای کشورها توصیه‌کننده هستند. به عنوان مثال، اعلامیه سازمان ملل درباره مدافعان حقوق بشر (۱۹۹۸) یکی از اسناد نرم است که با وجود غیرالزام‌آور بودن، استانداردهایی برای حمایت از فعالان حقوق بشر در سطح جهانی ارائه می‌دهد.) (Kochenov, 2017, 54-55). مجموع، منابع نظام حقوق بشر بین‌الملل متنوع‌اند و در کنار یکدیگر، سازوکار پیچیده‌ای برای تضمین، توسعه و تفسیر حقوق بشر ایجاد می‌کنند. شناخت

مثال، حفظ عقل به عنوان یکی از مقاصد شریعت، می‌تواند مبنایی برای حق آموزش، آزادی اندیشه، و منع مواد مخدر و رفتارهای مضر باشد. (سیدفاطمی، ۱۳۹۵، ۱۴-۱۳). در مجموع، منابع حقوق بشر اسلامی متنوع و در عین حال به هم پیوسته‌اند. این منابع نه تنها پایه‌های نظری حقوق بشر در اسلام را شکل می‌دهند، بلکه راهکارهایی برای استنباط و تطبیق حقوق بشر با مقتضیات عصر حاضر نیز ارائه می‌کنند. بهره‌گیری صحیح و منسجم از این منابع، شرط تحقق حقوق بشر اسلامی در جوامع مسلمان است.

۵-۵. احراز حقوق بنیادین بشر در نظام حقوق بشر بین‌المللی

حقوق بنیادین بشر در نظام حقوق بشر بین‌المللی به آن دسته از حقوقی گفته می‌شود که ذاتاً غیرقابل تعلیق‌اند و حتی در شرایط اضطراری نظیر جنگ، بحران‌های ملی، یا حکومت نظامی نیز قابل نقض یا نادیده‌گیری نیستند. این حقوق، به‌نوعی بازتاب کرامت ذاتی انسان و ارزش‌های جهانی عدالت و انسانیت‌اند و در اسناد بین‌المللی همچون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شده‌اند. در ماده ۴ این میثاق، صراحتاً آمده است که برخی حقوق تحت هیچ شرایطی قابل تعلیق نیستند، حتی در صورت تهدید عمومی استثنائی. (Arnauld and others, 2020). اما پرسش اساسی آن است که معیارهای شناسایی این حقوق چیست و چگونه می‌توان به‌طور حقوقی مصادیق این دسته از حقوق را احراز کرد؟ در ادامه به پاسخ پرسش مزبور پرداخته خواهد شد.

شما، اموال شما، و آبروی شما بر یکدیگر حرام است...» که این سخن، تأکیدی روشن بر حق حیات، مالکیت و حیثیت فردی در چارچوب حقوق بشر اسلامی است. (شهابی، ۱۳۴۹، ۳۰۵ و ۳۰۷). ج. عقل (عقل مستقل و عقل درک‌کننده احکام شرع) (عقل در فقه اسلامی، به‌ویژه در مکتب شیعه، نقش مهمی در استنباط احکام و درک مصالح انسانی دارد. اصولی مانند عدالت، حسن و قبح عقلی، و مصلحت عمومی از طریق عقل کشف می‌شوند و می‌توانند مبنای شناسایی برخی حقوق بشر باشند. به عنوان مثال، عقل به روشنی درک می‌کند که شکنجه انسان بی‌گناه، ظلم است و ظلم نیز در اسلام حرام شمرده شده است. بنابراین، ممنوعیت شکنجه و رفتار غیرانسانی با افراد، از نتایج قطعی حکم عقل است که در متون شرعی نیز تأیید شده است. (عمید زنجانی، ۱۳۷۹، ۴۳-۴۲)؛ د. اجماع (اجماع، یعنی توافق فقها در یک مسأله، اگرچه به‌طور مستقیم مبنای استخراج حقوق بشر نیست، اما در پاره‌ای از موضوعات می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. به‌ویژه در مواردی که قرآن و سنت تصریحی ندارند، اجماع می‌تواند معیاری برای شناسایی حکم شرعی باشد. برای مثال، در بسیاری از فتاوی فقها درباره لزوم رعایت عدالت در قضاوت یا حمایت از مظلوم، اجماع وجود دارد که این خود، پشتوانه‌ای برای شناسایی حقوق دادرسی عادلانه در اسلام محسوب می‌شود. (مظفر، ۱۴۳۰، ج ۳، ۱۰۵)؛ ه. مقاصد شریعت (یکی از منابع نوین و کلیدی در تحلیل حقوق بشر اسلامی، «مقاصد شریعت» است که به هدف‌های اصلی احکام شرعی مانند حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال اشاره دارد. این رویکرد، چارچوبی انعطاف‌پذیر برای تطبیق تعالیم اسلامی با نیازهای حقوق بشری روز فراهم می‌کند. به عنوان

۵-۵-۱. معیارهای شناسایی حقوق بنیادین غیرقابل تعلیق

الف. اصل غیرقابل تعلیق بودن در متون الزام‌آور (مهم‌ترین معیار شناسایی حقوق بنیادین، تصریح صریح در اسناد بین‌المللی الزام‌آور است. ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مهم‌ترین سند در این زمینه است که هشت حق را غیرقابل تعلیق معرفی می‌کند؛ از جمله حق حیات، ممنوعیت شکنجه، آزادی اندیشه، ممنوعیت بردگی، و عدم مجازات بدون قانون؛ ب. جایگاه بنیادی در ساختار کرامت انسانی (حقوقی که به‌طور مستقیم با کرامت ذاتی انسان پیوند دارند و فقدان آن‌ها نظم بنیادین حقوق بشر را متزلزل می‌کند، جزء حقوق غیرقابل تعلیق محسوب می‌شوند. این معیار، غالباً در تفاسیر دکترینال و رویه قضایی نهادهای بین‌المللی دیده می‌شود)؛ ج. پذیرش جهانی و گستره عرفی (در صورتی که یک حق خاص در اکثر نظام‌های حقوقی داخلی و همچنین در اسناد متعدد بین‌المللی تکرار و تثبیت شده باشد، احتمال تعلق آن به حوزه حقوق بنیادین بیشتر است. به عبارت دیگر، اجماع جهانی یکی از معیارهای مهم شناسایی است). د. طبیعت آمره یا مطلق برخی قواعد بین‌المللی (برخی حقوق مانند منع شکنجه یا بردگی، در زمره قواعد آمره حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرند (Nakanishi, 2018). این قواعد، به دلیل اهمیت جهانی‌شان، حتی با رضایت دولت‌ها نیز قابل نقض نیستند و از مصادیق بارز حقوق بنیادین غیرقابل تعلیق به‌شمار می‌آیند).

۵-۵-۲. نهادهای مسئول تفسیر و احراز مصادیق

احراز دقیق مصادیق حقوق بنیادین نیازمند نظارت، تفسیر و ارزیابی حقوقی نهادهای ذی‌ربط است. مهم‌ترین نهادهای بین‌المللی در این زمینه عبارت‌اند از: الف. کمیته حقوق بشر سازمان ملل (این نهاد نظارتی بر اجرای میثاق حقوق مدنی و سیاسی نظارت دارد و در قالب نظرات تفسیری عمومی، تبیین دقیقی از حقوق غیرقابل تعلیق ارائه کرده است. برای نمونه، در تفسیر عمومی شماره ۲۹، کمیته بر غیرقابل تعلیق بودن برخی حقوق حتی در بحران‌های شدید تأکید کرده است؛ ب. دیوان بین‌المللی دادگستری (در برخی آراء خود، مانند قضیه دیوار حائل (۲۰۰۴)، دیوان به ماهیت غیرقابل تعلیق برخی حقوق بشر اشاره کرده است و این موارد را در زمره حقوق عرفی عام و قواعد آمره دانسته است)؛ ج. دادگاه‌های منطقه‌ای حقوق بشر (مانند دادگاه اروپایی حقوق بشر و دادگاه بین‌آمریکایی حقوق بشر، که در رویه خود به معیارهای ضروری بودن، تناسب و مشروعیت در محدودسازی یا تعلیق سایر حقوق پرداخته‌اند و در عین حال، به صراحت بر اطلاق و عدم تعلیق حقوقی خاص تأکید داشته‌اند) (Aust and Gürsel, 2021, 64-65).

۵-۵-۲. نحوه احراز در عمل: آزمون سه‌مرحله‌ای

به نظر می‌رسد در سنجش تعلیق‌پذیری یا اطلاق حقوق، نهادهای قضایی و نظارتی بین‌المللی از نوعی آزمون سه‌مرحله‌ای بهره می‌گیرند: مرحله اول؛ ضرورت: آیا شرایط بحرانی به‌حدی است که ادامه اجرای یک حق خاص، تهدیدی جدی برای موجودیت ملت یا نظم عمومی ایجاد می‌کند؟ مرحله دوم؛ تناسب: آیا اقدامات محدودکننده یا تعلیقی

تناسب منطقی با تهدید موجود دارند؟ مرحله سوم؛ عدم اطلاق: آیا حق مورد نظر به صورت مطلق تعریف شده یا قابل محدودسازی است؟ حقوقی که به طور مطلق در برابر این آزمون‌ها مقاوم‌اند، به عنوان مصادیق حقوق بنیادین غیرقابل تعلیق شناسایی می‌شوند.

۵-۶. معیارهای احراز حقوق بنیادین بشر در حقوق بشر اسلامی

حقوق بنیادین بشر در منظومه فکری اسلام، حقوقی‌اند که بر پایه فطرت انسانی و کرامت ذاتی بشر استوارند و به صرف انسان بودن، فارغ از دین، نژاد یا جنسیت، به همگان تعلق دارند. این حقوق، که بر بسیاری از آن‌ها در متون دینی و فقهی اسلام تأکید شده، نه تنها شامل مسلمانان، بلکه شامل غیرمسلمانان و حتی دشمنان نیز می‌شوند. فقه‌های اسلامی در طول قرون، تلاش کرده‌اند مبانی، حدود و مصادیق این حقوق را از منابع شرعی استنباط کنند (Virgili, 2021, 29). در این نوشتار، با تمرکز بر دیدگاه‌های فقه‌ها، به بررسی معیارها و نحوه احراز مصادیق این حقوق بنیادین پرداخته خواهد شد.

الف. معیار انسان بودن (بنیادی‌ترین معیار در حقوق بشر اسلامی، «انسان بودن» است. بسیاری از فقه‌ها، از جمله علامه طباطبایی، شهید مطهری و آیت‌الله جوادی آملی، تصریح کرده‌اند که کرامت انسانی، امری ذاتی و مستقل از ایمان یا اعتقادات فرد است. در تفسیر آیه ۷۰ سوره اسراء (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...)، اغلب مفسران تأکید کرده‌اند که تکریم خداوند نسبت به بنی آدم شامل همه انسان‌هاست، نه فقط مؤمنان. بنابراین، این دیدگاه فقهی زمینه را برای شناسایی

حقوق بنیادین همگانی، بدون تبعیض دینی، فراهم می‌سازد.؛ (قاسم‌پور و خسروی، ۱۳۹۳، ۱۷-۱۸) ب. معیار فطرت و عقل مشترک (فطرت یکی از مبانی مهم در اندیشه اسلامی برای احراز اصول اخلاقی و حقوقی است. از نگاه فقه‌هایی همچون فخرالدین رازی و خواجه نصیرالدین طوسی، آنچه عقل سلیم و فطرت پاک انسانی آن را نیکو می‌داند، می‌تواند مبنای الزام شرعی باشد. اصل حرمت ظلم، ارزش حیات، لزوم احترام به مالکیت فردی و آزادی اندیشه از جمله مواردی هستند که نه تنها توسط نصوص شرعی بلکه از راه فطرت نیز مورد تأیید قرار گرفته‌اند. در این چارچوب، حقوقی مانند حق حیات، ممنوعیت شکنجه، و حرمت توهین به شخصیت انسان‌ها، به عنوان حقوق فطری تلقی می‌شوند و فقه‌هایی مانند محمدجواد مغنیه بر این باورند که این دسته از حقوق از «اولیات عقل عملی» هستند و نیازی به اثبات جداگانه از طریق نص ندارند. ج. استنباط از نصوص عام و مطلق (منابع شرعی همچون قرآن و سنت، حاوی نصوصی هستند که دلالت بر عموم و اطلاق دارند. بسیاری از فقه‌ها از این عمومات برای اثبات حقوق بنیادین بهره برده‌اند. به عنوان مثال، آیه «لا تزر وازرةُ وزرٍ أخرى» (هر کسی بار گناه خود را به دوش می‌کشد) در اندیشه فقهی، دلالت بر اصل شخصی بودن مجازات دارد، که یکی از اصول بنیادین حقوق بشر است. فقه‌هایی چون علامه حلی، شیخ انصاری و آیت‌الله محمدتقی حکیم، با استناد به چنین عموماتی، معتقدند که این نوع آیات، اصولی کلی‌اند که در هر زمان و نسبت به هر فردی (اعم از مسلمان و غیرمسلمان) معتبر هستند، مگر آن‌که دلیلی بر تخصیص وجود داشته باشد. د. تأکید بر مقاصد شریعت (مقاصد شریعت یکی از مهم‌ترین

ظلم باشد، مورد پذیرش است، حتی اگر نص خاصی در مورد آن وجود نداشته باشد).

۵-۷. مصادیق حقوق بنیادین بشر در نظام حقوق بشر بین‌المللی

در چارچوب نظام حقوق بشر بین‌المللی، برخی از حقوق انسانی از چنان جایگاهی برخوردارند که به عنوان "حقوق غیرقابل تعلیق" شناخته می‌شوند. این حقوق، در هیچ شرایطی، حتی در وضعیت اضطراری، جنگ، یا تهدیدهای گسترده امنیتی، قابل نقض یا محدودسازی نیستند. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، که یکی از اسناد اصلی حقوق بشر سازمان ملل است، در ماده ۴ خود به صراحت به این حقوق پرداخته و برخی مصادیق اساسی را غیرقابل تعلیق اعلام کرده است. این متن به بررسی مهم‌ترین مصادیق این حقوق و فلسفه حقوقی آن‌ها می‌پردازد:

الف. حق حیات (حق حیات، بنیادی‌ترین حق بشری است که مبنای بهره‌مندی از سایر حقوق محسوب می‌شود. ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، به صراحت حق هر انسان به زندگی را تضمین می‌کند و اعدام خودسرانه یا بدون تشریفات قانونی را منع می‌سازد. این حق حتی در وضعیت جنگ یا قیام‌های داخلی نیز قابل تعلیق نیست، چرا که نقض آن به معنای پایان مطلق هر نوع امکان دفاع حقوقی است. مراجع حقوقی بین‌المللی مانند کمیته حقوق بشر نیز بر مطلق بودن این حق تأکید داشته‌اند). ب. ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیرانسانی (ماده ۷ میثاق به‌طور مطلق استفاده از شکنجه، مجازات‌های غیرانسانی، تحقیرآمیز یا بی‌رحمانه را ممنوع می‌کند. این ممنوعیت به‌قدری جدی است که هیچ توجیهی، حتی در زمان جنگ یا تهدید امنیت ملی، نمی‌تواند

ابزارهای نوین در فقه اسلامی برای تبیین و احراز اهداف کلان شریعت است. این مقاصد، که شامل حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال انسان هستند، در آثار فقهایی چون امام شاطبی، محمد طاهر بن عاشور و معاصری چون یوسف قرضاوی مورد بررسی دقیق قرار گرفته‌اند. از این دیدگاه، هر حقی که در راستای تحقق یکی از این مقاصد باشد، می‌تواند به عنوان حقی بنیادین و جهان‌شمول قلمداد شود. برای نمونه، حفظ جان به‌عنوان یکی از مقاصد شریعت، مبنای فقهی حق حیات را برای همه انسان‌ها فراهم می‌کند. در نتیجه، هر نوع قتل غیرموجه، شکنجه، یا تهدید حیات انسان، در فقه اسلامی مردود است، حتی اگر قربانی، غیرمسلمان باشد). (عمید زنجانی و توکلی، ۱۳۸۶، ۱۶۶-۱۶۵) ه. رفتار پیامبر و سیره عملی معصومان (یکی دیگر از روش‌های فقها برای احراز مصادیق حقوق بنیادین، رجوع به سیره نبوی و اهل بیت است. در فقه شیعه، سنت معصومین نقش تفسیرکننده و تکمیل‌کننده نصوص دارد. پیامبر اسلام، در رفتار با یهودیان، مسیحیان، مشرکان و حتی اسیران جنگی، کرامت انسانی را رعایت می‌کرد. برای مثال، هنگام ورود به مکه، پیامبر اعلام عفو عمومی کرد؛ رفتاری که از نظر بسیاری از فقها، دلالت بر اصل رحمت و احترام به شخصیت انسان‌ها حتی در اوج قدرت دارد). و. تأکید بر عدالت و نفی ظلم (از اصول مورد اتفاق همه فقها، حرمت ظلم و وجوب عدالت است. عدالت به عنوان یکی از اصول حاکم بر تمام احکام شرعی، در فقه اسلامی جایگاهی بنیادین دارد. فقهایی مانند آیت‌الله سبحانی، عدالت را معیار سنجش صحت یا بطلان بسیاری از احکام فقهی می‌دانند (سبحانی، ۱۴۳۲، ج ۳، ۸۹). بر این اساس، هر قاعده یا حقی که در جهت اجرای عدالت و رفع

حقوق مدنی دیگر است و بدون آن، افراد از حمایت قانونی محروم خواهند ماند. به رسمیت شناختن شخصیت حقوقی افراد، تضمینی برای حفظ حیثیت و امکان دفاع از خود در نظام قضایی است (Patel, 2021, 86-87). ز. آزادی اندیشه، وجدان و دین (ماده ۱۸ میثاق، آزادی اعتقاد، دین و وجدان را تضمین کرده و این حق را نیز در زمره حقوق غیرقابل تعلیق قرار داده است (Shelton, 2013, 72-73). حق انتخاب یا تغییر دین و باور، انجام مناسک دینی، و ابراز عقاید مذهبی، حتی در زمان‌های بحرانی باید محترم شمرده شود. البته محدودیت‌هایی ممکن است در زمینه ابراز عمومی دین در نظر گرفته شود، اما اصل آزادی درونی باور، مطلق و غیرقابل تعلیق است.

۵-۷. مصادیق حقوق بنیادین بشر در حقوق بشر اسلامی

حقوق بشر اسلامی، برخلاف رویکردهای مدرن و سکولار، در چارچوب جهان‌بینی توحیدی و بر مبنای کرامت ذاتی انسان استوار است. بر اساس این نگاه، انسان به عنوان خلیفه‌الله در زمین از حقوقی برخوردار است که نه به صرف تابعیت، مذهب یا نژاد، بلکه به دلیل انسان بودن، به او تعلق دارد. بسیاری از فقهای برجسته اسلامی، از جمله علامه طباطبایی، شهید مطهری، آیت‌الله جوادی آملی و علامه فضل‌الله، بر این باورند که برخی حقوق بنیادین در شریعت اسلام به گونه‌ای تشریع شده‌اند که شامل همه انسان‌ها، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، می‌گردند (سیدفاطمی، ۱۳۹۵، ۱۳-۱۴). این حقوق را می‌توان مصادیق "حقوق بنیادین بشر" در اسلام

آن را مشروع سازد. این اصل در حقوق بین‌الملل عرفی نیز به عنوان یک قاعده آمره شناخته شده است. کشورها موظف‌اند در هر شرایطی از این ممنوعیت پیروی کنند و ناقضان آن را تحت تعقیب قرار دهند. (Berkes, 2021, 37-38) ج. ممنوعیت بردگی و کار اجباری (ماده ۸ میثاق، بردگی، برده‌داری، و کار اجباری را به‌طور کامل ممنوع کرده است. این ممنوعیت نه تنها شامل اعمال کلاسیک برده‌داری است، بلکه اشکال مدرن آن نظیر قاچاق انسان و کار اجباری را نیز در بر می‌گیرد. حق آزادی از بردگی، نیز در زمره حقوق غیرقابل تعلیق قرار دارد، چرا که اساس آن بر کرامت ذاتی انسان‌ها استوار است؛ د. ممنوعیت حبس به علت ناتوانی در پرداخت بدهی (طبق بند ۱ ماده ۱۱ میثاق، هیچ‌کس را نمی‌توان تنها به علت ناتوانی در اجرای تعهد قراردادی یا پرداخت بدهی، زندانی کرد. این اصل نیز در شمار حقوق غیرقابل تعلیق قرار دارد، چرا که حبس افراد به خاطر فقر، نقض مستقیم اصل برابری و کرامت انسانی است.؛ (Curzi, 2020, 71-72) ه. اصل قانونی بودن جرم و مجازات (ماده ۱۵ میثاق تصریح می‌کند که هیچ‌کس را نمی‌توان برای عملی که در زمان ارتکاب، طبق قوانین ملی یا بین‌المللی جرم نبوده است، مجازات کرد. همچنین، مجازات باید متناسب با جرم و بر اساس قانون موجود در زمان وقوع آن باشد (Rainer and others, 2021, 39-40). این اصل، از عناصر بنیادین حاکمیت قانون است و تضمین می‌کند که افراد قربانی قوانین دلخواه و خودسرانه حکومت‌ها نشوند. و. حق به رسمیت شناختن شخصیت حقوقی (بر اساس ماده ۱۶ میثاق، هر انسانی حق دارد در هر کجا، به عنوان یک شخص در برابر قانون شناخته شود. این اصل پایه بسیاری از

دانست که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

الف. نخستین و اساسی‌ترین حق، حق حیات است. فقها با استناد به آیات متعددی مانند آیه ۳۲ سوره مائده که قتل ناحق را به منزله قتل همه انسان‌ها دانسته است، تأکید دارند که حق حیات، حقی عمومی و همگانی است. آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر این آیه می‌نویسد که «اصل حرمت خون انسان، امری فراگیر است و از حیث انسان بودن است، نه از حیث ایمان یا دین». ب. کرامت انسانی نیز یکی دیگر از این حقوق بنیادین است. بر اساس آیه ۷۰ سوره اسراء، خداوند «بنی‌آدم» را گرامی داشته و این کرامت را مقدم بر هر ویژگی دینی یا قومی دانسته است. فقهایی چون علامه فضل‌الله معتقدند که اسلام با این تعبیر، انسان را ذاتاً محترم دانسته و هیچ عاملی نباید موجب سلب حیثیت انسانی افراد گردد (محمدی الموتی و دیگران، ۱۳۹۶، ۱۴۸-۱۴۹). ج. سومین مصداق آزادی اندیشه و عقیده می‌باشد. هرچند اسلام نسبت به ترویج باطل محدودیت‌هایی وضع کرده، اما بسیاری از فقها میان "باور قلبی" و "اظهار و تبلیغ" تمایز قائل شده‌اند. شهید مطهری در آثار خود می‌نویسد که اسلام هیچ‌گاه اعتقاد درونی غیرمسلمان را جرم ندانسته و انسان در حوزه اعتقادات شخصی آزاد است. بر همین اساس، اجبار در دین نیز نفی می‌شود؛ همان‌طور که آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» در سوره بقره تصریح می‌کند. (نصری، ۱۳۸۲، ۳۲-۳۱). د. چهارمین مصداق عدالت می‌باشد. عدالت در دادرسی و رفتار برابر با متهمان و مجرمان نیز در فقه اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. فقهایی مانند امام خمینی و شیخ انصاری، بر لزوم برخورد عادلانه

با همه افراد تأکید دارند، به‌طوری‌که حتی در اجرای حدود نیز باید عدالت، رعایت شرایط انسانی و منع شکنجه لحاظ شود. این رویکرد فقهی نشان می‌دهد که حتی غیرمسلمان نیز در دادگاه اسلامی باید از دادرسی عادلانه برخوردار باشد (زمان‌زاده بهبهانی و دیگران، ۱۳۹۷، ۶۴۹-۴۷۰). ه. همچنین، حق مالکیت مشروع از جمله حقوقی است که فقه اسلامی برای همه انسان‌ها قائل شده است؛ امام خمینی در تحریرالوسیله تصریح می‌کند که اموال اهل ذمه محترم است و تجاوز به آن‌ها همانند تجاوز به اموال مسلمانان حرام است. (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ۵۳۰). غیرمسلمانان، چه اهل ذمه و چه مستأمن، در نظام فقهی از حق مالکیت برخوردارند.

۵-۸. نسبت میان حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر بین‌المللی

نسبت میان حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر بین‌المللی، از جمله مباحث پیچیده و محل مناقشه در گفتمان حقوق بشر معاصر است. این دو نظام حقوقی، در عین برخورداری از نقاط اشتراک در اصول بنیادین، مانند کرامت انسانی، حق حیات، منع شکنجه و حقوق خانواده، در برخی مفاهیم و شیوه‌های اجرایی دارای تفاوت‌های معرفت‌شناختی و مبنایی هستند. از یک‌سو، حقوق بشر بین‌المللی مبتنی بر رویکرد سکولار، انسان‌محور و جهان‌شمول است که حقوق را حاصل اراده جمعی بشر و مبتنی بر عرف و عقلانیت مدرن می‌داند. در مقابل، حقوق بشر اسلامی ریشه در شریعت دارد و حقوق را هدیه‌ای الهی تلقی می‌کند که انسان، به عنوان خلیفه‌الله، مستحق آن است. این تفاوت در مبنا، بر نحوه تفسیر مفاهیمی چون آزادی، برابری و عدالت

نیز تأثیر می‌گذارد. با این حال، بسیاری از اندیشمندان بر این باورند که تعارض میان این دو نظام، الزامی و ذاتی نیست، بلکه حاصل تفاوت‌های فرهنگی، تاریخی و تفسیری است (Saeed, 2018, 7-8). در برخی اسناد مانند «اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام» (۱۹۹۰)، تلاش شده است تا اصول جهانی حقوق بشر با ملاحظات شریعت اسلامی هم‌ساز شود. این روند، زمینه گفت‌وگوی بین‌التمدنی را فراهم می‌سازد و می‌تواند به بازتعریف مفاهیم حقوق بشری بر پایه پلورالیسم فرهنگی کمک کند (Hey, 2021, 127-128). بنابراین، نسبت میان این دو نظام را نه در قالب تعارض یا انکار، بلکه در قالب «تنوع در وحدت» و امکان همگرایی مشروط می‌توان تحلیل کرد؛ به شرطی که گفت‌وگو، احترام متقابل و درک از زمینه‌های دینی و فرهنگی یکدیگر در دستور کار قرار گیرد.

۶. نتیجه

مصادیق حقوق بنیادین بشر در نظام حقوق بشر بین‌المللی، به منزله خطوط قرمزی هستند که دولت‌ها حتی در شرایط فوق‌العاده نمی‌توانند از آن عبور کنند. هدف از غیرقابل تعلیق بودن این حقوق، تضمین حداقلی از کرامت انسانی، امنیت، و آزادی برای همه افراد است. میثاق حقوق مدنی و سیاسی به عنوان یکی از معتبرترین اسناد بین‌المللی، این حقوق را با دقت و صراحت تعریف کرده و رعایت آن‌ها را در هر شرایطی الزامی می‌داند. با وجود چالش‌ها در اجرای جهانی این حقوق، تلاش برای تقویت این استانداردها، بخش جدایی‌ناپذیر از فرآیند تحقق عدالت جهانی است. از طرف دیگر رویکرد حقوق بشر اسلامی متفاوت است. در مجموع، آن گونه

که از تحلیل فقهی روشن می‌شود، اسلام در اصول بنیادین خود به شمول‌گرایی انسانی تمایل دارد و بسیاری از حقوق را صرف‌نظر از دین و مذهب برای همه انسان‌ها به رسمیت می‌شناسد. توجه فقه‌های معاصر به جنبه‌های عام‌انسانی شریعت، نشان‌دهنده ظرفیت گسترده فقه اسلامی در تقویت مبانی حقوق بنیادین بشر است. احراز مصادیق حقوق بنیادین بشر در نظام حقوق بین‌الملل نیازمند بررسی دقیق اسناد الزام‌آور، اصول عرفی، تفاسیر نهادهای بین‌المللی و سنجش حقوق با معیارهایی چون ضرورت و کرامت انسانی است. این حقوق، به دلیل پیوند عمیق با ماهیت انسانی، در برابر هرگونه بحران، جنگ یا اضطرابی مقاوم باقی می‌مانند و رعایت آن‌ها نشانه‌ای از پابندی حقیقی دولت‌ها به اصول بنیادین حقوق بشر است. در نظام حقوق بشر اسلامی، معیارهای احراز حقوق بنیادین بشر از منابعی چون فطرت، عقل، نصوص عام، سیره معصومان و مقاصد شریعت سرچشمه می‌گیرد. دیدگاه‌های فقه‌ها نشان می‌دهد که اسلام، برخلاف برخی برداشت‌های محدودگرایانه، افق گسترده‌ای برای شناسایی و اجرای حقوق بشر برای همه انسان‌ها فراهم کرده است. مبنای این رویکرد، بر کرامت انسانی، فطرت مشترک، عدالت، و عقلانیت استوار است؛ عناصری که ظرفیت هم‌گرایی با نظام بین‌المللی حقوق بشر را فراهم می‌کنند و امکان ایجاد یک چارچوب جهانی با رویکرد اسلامی را تقویت می‌سازند. در مجموع، مصادیق حقوق بنیادین بشر دارای وصف «آمره» در نظام حقوق بشر بین‌المللی هستند و اساساً نقطه سرآغاز طبقه‌بندی هنجارها یا به تعبیری، سلسله مراتب هنجاری نظام حقوق بشر بین‌المللی محسوب می‌شوند. اما در رویکرد اسلامی به حقوق بشر، مصادیق حقوق

بنیادین بشر، سلسله مراتب هنجاری در حقوق بشر اسلامی ایجاد ننموده است. معیار احراز مصادیق حقوق بنیادین بشر در نظام حقوق بشر بین‌المللی، «غیرقابل عدول بودن» می‌باشد؛ به تعبیری، آن دسته از مصادیق حقوق بشر که در هیچ شرایطی (ولو شرایط اضطراری) قابل تعلیق نمی‌باشند، مصداقی از حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شوند. از طرفی، در رویکرد اسلامی، آن دسته از مصادیق حقوق بشر که نسبت به همه افراد اعم از مسلمان و غیرمسلمان قابل اعمال می‌باشند، حقوق بنیادین بشر محسوب می‌گردند.

۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسئول صورت گرفت.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- بشری». فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره نوزدهم، شماره هفتاد و پنجم، ۱۳۹۵.
- قاسم‌پور، محسن، خسروی، رضوان، «بررسی مقایسه ای روش و رویکرد تفسیری شهیدمطهری و آیت الله جوادی آملی و تأثیر دیدگاه‌های علامه طباطبایی بر ایشان»، پژوهشنامه قرآن و حدیث، دوره هفتم، شماره چهاردهم، ۱۳۹۳.
- محمدی الموتی، محسن، جلالی، محمود و شوشتری، مهدی، «حق حیات و سلب آن از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل بشر با تأکید بر عملیات انتحاری». انسان پژوهی دینی، دوره چهاردهم، شماره سی و هفتم، ۱۳۹۶.
- مظفر، محمدرضا، اصول فقه، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۳۰.
- نصری، عبدالله، «حق و عدالت در اندیشه استاد مطهری»، قبسات، شماره بیست و هشتم، ۱۳۸۲.
- Ali, Shaheen S. *Gender and Human Rights in Islam and International Law: Equal Before Allah, Unequal Before Man*. Hague: Kluwer, 2021.
- Andreassen, Bård A., Claire Methven O'Brien, Hans-Otto Sano. *Research Methods in Human Rights: A Handbook*. London: Edward Elgar, 2024.
- Arnauld, Andreas von, Kerstin von der Decken, Mart Susi. *The Cambridge Handbook of New Human Rights: Recognition, Novelty, Rhetoric*. Cambridge: Cambridge University Press, 2020.
- Aust, Helmut Philipp, Gürsel, Esra Demir, The European Court of Human Rights, *Human Rights and the Rule of Law*. Cambridge: Cambridge University Press, 2019.
- جعفری، سیداصغر، «حقوق بنیادین بشر در منشور حکومتی امام علی (ع)»، مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دوم، شماره چهارم، ۱۳۹۲.
- حنیف، احمدحنیف و جلالی، محمد، «لزوم بازخوانی مفهوم حقوق بنیادین بشر به عنوان قاعده آمره بین‌المللی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره بیست و پنجم، شماره یکصد، ۱۴۰۱.
- خمینی، روح الله، تحریرالوسیله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۹۲.
- زمان‌زاده بهبهانی، مهری، رهامی، محسن و ناجی زواره، مرتضی، «واکاوی جایگاه اصول دادرسی عادلانه در فقه امامیه». پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، دوره نوزدهم، شماره دوم، ۱۳۹۷.
- سبحانی، جعفر، المبسوط فی الاصول الفقه، قم، موسسه امام صادق (ع)، ۱۴۳۲.
- شهابی، محمود، ادوار فقه، تهران، چاپخانه چهر، ۱۳۴۹.
- عمید زنجانی، عباسعلی و توکلی، محمدمهدی، «حقوق بشر اسلامی و کرامت ذاتی انسان در اسلام». مطالعات حقوق خصوصی، دوره سی و هفتم، شماره چهارم، ۱۳۸۶.
- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۹.
- قاری سید فاطمی، سید محمد، «رویکردی عدلیه‌ای به نظریه مقاصد و پیامدهای حقوق

- Peters, Anne, ***Beyond Human Rights: The Legal Status of the Individual in International Law***, Volume 126 of Cambridge Studies in International and Comparative Law. Cambridge: Cambridge University Press, 2018.
- Rainer, Grote, Morales Antoniazzi, Mariela, Paris, Davide, ***Research Handbook on Compliance in International Human Rights Law***. London: Edward Elgar, 2021.
- Saeed, Abdullah (). ***Human Rights and Islam: An Introduction to Key Debates between Islamic Law and International Human Rights Law***. London: Edward Elgar, 2018.
- Shelton, Dinah, ***The Oxford Handbook of International Human Rights Law***. Oxford: Oxford University Press, 2013.
- Trstenjak, Verica, Weingerl, Petra. ***The Influence of Human Rights and Basic Rights in Private Law***. London: Springer, 2015.
- Virgili, Tommaso, ***Islam, Constitutional Law and Human Rights: Sexual Minorities and Freethinkers in Egypt And Tunisia***. Hague: Taylor & Francis, 2021.
- Weiß, Norman, Thouvenin, Jean-Marc, ***The Influence of Human Rights on International Law***. London: Springer, 2016.
- Rights: Current Challenges in Historical Perspective, London, Edward Elgar, 2021.
- Berkes, Antal. ***International Human Rights Law Beyond State Territorial Control***. Cambridge: Cambridge University Press, 2021.
- Brems, Eva. ***Human Rights: Universality and Diversity***. Hague: Kluwer, 2021.
- Curzi, Ludovica Chiussi, ***General Principles for Business and Human Rights in International Law***. London: Brill, 2020.
- Ellis, Mark, Anver M. Emon, Benjamin Glahn. ***Islamic Law and International Human Rights Law***. Oxford: Oxford University Press, 2012.
- Hey, Hilde. ***Gross Human Rights Violations: A Search for Causes: A Study of Guatemala and Costa Rica***. London: Kluwer, 2021.
- Kochenov, Dimitry. ***EU Citizenship and Federalism***. Cambridge: Cambridge University Press, 2017.
- Nakanishi, Yumiko. ***Contemporary Issues in Human Rights Law: Europe and Asia***. London: Springer, 2018.
- Nowak, Manfred, Moritz Birk, Giuliana Monina. ***The United Nations Convention Against Torture and Its Optional Protocol***. Oxford: Oxford University Press, 2019.
- Patel, Gayatri H, ***Women and International Human Rights Law: Universal Periodic Review in Practice***. Hague: Routledge, 2021.
- Paulussen, Christophe, Tamara Takacs, Vesna Lazić, Ben Van Rompuy, ***Fundamental Rights in International and European Law: Public and Private Law Perspective***. London: Springer, 2015.